

Wahhabism and Pakistani schools

نویسنده: احمد هاشمی - ۲۰/۴/۱۳۹۱

<http://www.sharghnewspaper.com/840523/html/world.htm>

روزنامه شرق - یکشنبه ۲۳ مرداد ۱۳۸۴ - ۱۴ اوت ۲۰۰۵ یادداشت
وهابیت و مدرسه های پاکستانی



تحولات سیاسی- اجتماعی جوامع اسلامی بر عهده داشته اند و به جرات می توان گفت تا همین یکی دو قرن اخیر بیشترین سهم را در جهت دهی فکری به مردم این جوامع داشته و نقطه اتکای اصلی توده ها از منظر تغذیه فکری- عقیدتی و سیاسی بوده اند. در اینجا مراد از مدرسه مکان هایی است که در گذشته برای پرورش و رشد و نمو مفاهیم و عالمان دینی در جوامع اسلامی مورد استفاده قرار می گرفته اند که در برخی موارد با اندک تغییراتی هم اکنون نیز به حیات خود ادامه می دهند و بعضاً نام های متفاوتی را با خود به یکدک می کشند مثلاً در ایران بیشتر به «حوزه های علمیه» معروف هستند و در ترکیه به مدرسه های «امام خطیب» و یا در کشور مصر از مدرسه دینی قدیمی و پرنفوذ الازهر به عنوان جامعه یا «دانشگاه الازهر» یاد می شود. این مدرسه های علوم دینی در دوران معاصر با شوک حاصل از تحولات جدید مربوط به نوسازی و مدرنیته در کشور های اسلامی مواجه شده و واکنش های متفاوتی از خود نشان دادند. یکی از کشور های اسلامی که مدرسه جایگاه بسیار رفیعی را در ایفای نقش های اجتماعی- سیاسی به خود اختصاص داده کشور پاکستان است. با حملات تروریستی لندن مسئله «مدرسه های پاکستان» مجدداً به موضوع روز تبدیل شد. در این کشور برخی از مدرسه ها (در مفهوم سنتی آن) مانند دانشگاه های دینی هستند و برخی دیگر هم مانند کلاس های طولانی مدت آموزش قرآن. در پاکستان این مدرسه ها از دیدگاه ایدئولوژیک هم یک دست نیستند. مدرسه هایی وجود دارند که دارای دیدگاه های وهابی- سلفی و تغذیه کننده تروریسم هستند (مانند مدارس سپاه سحابه و

لشکر جنگوی) و مدرسه های کلاسیک آموزش علوم دینی هم بمانند آنچه که در کشور مان تحت عنوان حوزه های علمیه از آنها یاد می شود وجود دارند (مانند مدارس نهضت جعفری شیعیان پاکستان). مدارس هسند که از طرف حکومت پاکستان مورد اصلاحات و تغییرات قرار گرفته و تحت کنترل وزارت آموزش این کشور در آمده اند و دانش های نوینی چون ریاضیات، فیزیک و جغرافیا هم در آنها تدریس می شود. در جهان اسلام «مدرسه» به عنوان نهاد آموزشی بسیار قدیمی مطرح است و قدیمی ترین آنها را می توان در ایران، شبه قاره هند، ترکیه و برخی کشورهای جهان عرب (مصر و عراق) مشاهده کرد. اما در شبه قاره هند (پیش از تاسیس کشور پاکستان) اولین حرکت شبه نظامی وهابی در میان مسلمانان این شبه قاره در سال های دهه ۱۸۲۰ و توسط «احمد بارلوی» آغاز شد. او که یک مسلمان میانه رو بود طی سفری به حج خط فکری وهابیت را برگزید و پس از بازگشت به هند در شهر «پاتنا» مدرسه وهابی خود را تاسیس کرد و در سال ۱۸۲۶ علیه سیک ها اعلان «جهاد» کرد و مریدان و پیروان خود را به افغانستان فرستاد. بدین وسیله و با کاشت بذره تفکر افراطی در این کشور زمینه های پیدایی طالبان در قرن بیستم فراهم شد. اما حرکت بارلوی در میان مسلمانان هند (پاکستان امروزی) طرفداران زیادی پیدا نکرد و تفکر مدرسه های اصلاح طلب و میانه رو موسوم به «دوبندی» بیشتر رایج بود و این تفکر از «مدرسه دارالعلوم» واقع در شهر «دوبند» که وابسته به موسسات عالی آموزش دینی علمای سنی بود سرچشمه می گرفت. یکی از ریشه های عمده حرکت های تروریستی امروزی به مدرسه های میانه رو دوبندی در آن زمان برمی گردد. با تکیه بر مقالات نشریه «کریستین ساینس مانیتور» در شماره ۲۷ جولای ۲۰۰۵، برای رادیکالیزه شدن مدرسه ها در پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی می توان به سه دلیل اشاره کرد: ۱- اثرات و پیامدهای فاکتور «جهاد»ی که پس از اشغال افغانستان توسط روس ها و با حمایت آمریکا از مجاهدین افغان آغاز شد. ۲- همزمان با افزایش احساسات مداخله گرانه ای که انقلاب ۱۹۷۹ ایران ایجاد نمود (مانند ایده صدور انقلاب) به منظور جلوگیری از اشاعه این انقلاب شیعی فاکتور میلیتاریسم وهابی نیز تقویت شد. ۳- حمایت همه جانبه آمریکا از این دو فاکتور فوق الذکر. این نشریه، در ادامه از کتاب ریاضیات این مدرسه ها که توسط آمریکایی ها و با هدف مقابله با انقلاب ایران و حمایت از جهاد افغان ها بر ضد روس ها تهیه شده بود یک مثال می آورد: «یک گلوله کلاشنیکف در هر ثانیه ۸۰۰ متر مسافت را طی می کند. اگر یک روس در فاصله ۳۲۰۰ متری یک مجاهد قرار گرفته باشد و مجاهد سر روس را مورد هدف قرار داده باشد در عرض چند ثانیه آن روس را نقش بر زمین خواهد کرد؟» مدرسه های پاکستان، خواه افراطی، خواه میانه رو و خواه خوشبین به غرب در این دوره میلیتاریزه شدند. همان طور که این نشریه می افزاید: در نتیجه، کلاس هایی که توسط این مدرسه های جهادگر برای میلیون ها پناهنده افغان در پاکستان تدارک دیده شده بود و حمایت از این کلاس ها توسط مدرسه های پاکستان و مربیانی که از عربستان سعودی می آمدند، همه کمک کردند تا نظامی ترین و خشن ترین شیوه وهابی گری وارد این مدرسه ها شود و بدین وسیله شبکه بسیار گسترده پرورش دهنده میلیتاریسم شکل گیرد و بدین صورت بن لادن ها، عبدالله عظام ها و ایمن الظواهری ها با حمایت آمریکا و به عنوان مارهایی در آستین آن، پرورش یافتند. «جان اپوسیتو (John Eposito) «محقق و اسلام شناس معروف، بر این نظر است که در حالی که جریان فکری دوبندی که با هدف سازگاری دادن بین اسلام سنتی و مقتضیات زندگی نوین در قرن ۱۹ به یک حرکت اصلاح طلبانه و رفرمیستی مبادرت ورزیده بود، به دلایلی از قبیل جنگ افغانستان، فاکتور سعودی و تشکیل جبهه وهابی برای مقابله با انقلاب ایران وهابیزه شده و به طور روزافزونی طریق افراط در پیش گرفت و رژیم طالبان هم از طرف «طلبه های» افغان که در این نوع از مدرسه های پاکستان آموزش دیده بودند، ایجاد شد. او چنین به ارائه آمار می پردازد: فقط در دوره بین سال های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹ بین ۸۰ الی ۱۰۰ هزار پاکستانی در اینگونه مدارس آموزش دیدند. در اینگونه مدارس، مهمتر از تعداد آموزش دیدگان، بحث روح «جهادیسیم» است که جهاد را با ترور همسان می انگارد. این روحیه است که انسان های غیر نظامی و بی گناه را در حملات انتحاری شرم الشیخ، لندن، مادرید، استانبول و نیویورک به قتل می رساند و ترور را امری مقدس و یا حداقل مجاز می شمارد. با وجود اعلام برائت دولت پاکستان از این گروه ها و محکوم کردن حرکات و عملیات تروریستی، این سیستم آموزش دینی این کشور است که برای دولت آن و جامعه جهانی

دردسرساز و بعضاً فاجعه آفرین شده است. هرچند که بحث تروریسم و مدرسه هایی که آن را تئوریزه می کنند فقط محدود و محصور به این کشور نیست. به هر روی، به نظر می رسد که موضوع «مبارزه با تروریسم» که نومحافظه کاران کاخ سفید به رهبری بوش داعیه پرچمداری آن را دارند موضوعی پیچیده و ریشه دار است و مستلزم یک مبارزه عمدتاً نرم افزاری برای تغییر گسترده از سیستم آموزشی گرفته تا بهبود وضعیت اقتصادی در کشورهای مستعد تروریسم و از جمله پاکستان است. چه، تغییراتی که در بردارنده عناصر بنیادین برای تحول نباشند ساده انگارانه بوده و در بلندمدت قادر به گره گشایی و حل مشکلات مربوط به «تروریسم بین المللی» نخواهد بود.